



[نقد مخاطب]

انسان‌های آرام و ناآرام

[به بهانه برپایی آثار علی نصیر در گالری خاک]

مژگان قدوسی

ورقی از دفترچه‌ای است که همواره پیش چشم ما باز است و چگونگی برداشت از این مهم البته کاری بسیار دشوار. این دوره جدید از آثار علی نصیر اوج دریافت‌های این سال‌ها و تجربیات نقاش گونه این نقاش بزرگ است. او نقاش دقیقی است که برای بازنمایی ذهنیات بیننده و بسرای ارتباط با آن هیچ‌گاه دچار سختی نشده است؛ چون او ذهنیات هر بیننده را با مهارت در سطوح نقاشی خود متبلور می‌کند. بیننده در برخورد با آثار علی نصیر احساس می‌کند در موقعیت آشنایی قرار گرفته است. او احساس می‌کند در یک لحظه درگیر موضوع زیبایی شده است، اما درک این موضوع به اصطلاح آشنا به همین سرعت محو می‌شود. بیننده حس می‌کند بی‌درنگ به درون تصویر کشیده شده است که هنوز نمی‌تواند بشناسد. تصویر او انسان‌هایی است بین ناآرامی و آرامش - جدال و انفعال، تکه‌ای از منظرهای بدون آسمان آفت. بیننده در هیچ‌کجای تصویر نمی‌تواند متوقف شود. خصلتی که همه آثار علی نصیر را شامل می‌شود نگاه در چرخش بدون نقطه اتکاست.

آثار علی نصیر به انرژی نقاشی متکی است. رنگ‌ها همه با یک‌میزان ارزش رنگی روی بوم می‌آیند. شوق رنگ‌آمیزی بی‌پروا، رنگ‌های تند و آرام و تضادهای رنگی بر صحنه آثار او از وی هنرمندی ساخته است که به جرأت می‌توان گفت بعد از دوران نگارگری ایران تا امروز کم‌تر نقاشی این توان رنگی را دارد. تعادل ریتم‌های رنگی در کنار خط، فرم‌های سیال در ترکیب‌بندی‌های نامتعارف، فضاها نامتعارف، فضاهای معمارگونه، ترکیب شگفت‌انگیز رنگ‌های درخشان در کنار رجعتی فرمال به ترکیب‌بندی و آرایش فیگورهای دهه ۸۰ عمق و گسترش موضوع از اتفاقات روزمره تا عمیق‌ترین مسائل انسانی از او نقاشی یگانه ساخته است.

ویژگی جامعه ما زیستن و حرکت در فضایی ناموزون است و شاید به همین دلیل شفافیت چگونگی مسیر از بین می‌رود و گاه درهم تنیده می‌شود. برای به‌دست‌آوردن مسیر تکاملی، کارهای بسیاری باید کرد که بخشی از آن مربوط به هنرمند است و بخش دیگر از حیطة اختیارات هنرمند خارج است و به فضای جامعه و امکان نقد درست و گفتمان بدون دلهره و هراس، به هنرمند امکان رشد و تکامل می‌دهد. علی نصیر و آثارش به درجه‌ای از این رشد و تکامل رسیده‌اند که راه را برای نیل به این مهم هموار ساخته‌اند.

است. در نمایشگاه اخیر این هنرمند، شاهد آثار ارزشمندی بودیم که هریک از آنها برای خود بالززش است. همواره حرکت و زندگی در آنها وجود دارند. در این حرکت، تمامی عناصر موجود در تعلیقی خاص به‌سرمی‌برند. روابط بین انسان‌های او و محیط اطرافشان معماگونه‌اند. ترکیب‌بندی‌های چندلایه و با بنیادی ساختارگرا ما را در عمق لحظه راهنمایی می‌کند. لایه‌بندی رنگ‌ها، دلالتی چندگونه دارد که در این بنیاد ساختارگرا و در نظم آن در عین بی‌نظمی تصویر خللی به‌وجود نمی‌آورد. همواره شاهد فرم‌هایی از طبیعت هستیم. این پیکره‌نگاری‌ها تا خط‌نگاری‌های استخاله‌شده، لکه‌فشان‌های استعاره و شاعرانه، تصاویر تخت و دوئیدی نقاشی ایرانی را نمایانگر است. ترکیب نقوش طرح‌گونه و فضاهایی که جسمیت نقاشانه پدیدار کرده‌اند، با حفظ ماهیت خود، تغییر کارکرد داده‌اند. نوعی سازگاری بین عناصر که شالوده آن بر اساس خط است، باعث ایجاد فضایی همسان شده که گاهی درهم تنیده می‌شوند و سطوحی با محدوده نامشخص می‌سازند.

علی نصیر این‌بار ما را به سفر درون آثارش راهنمایی می‌کند؛ سفری طولانی که از سرزمین او آغاز شده و تا دنیای دیگر ادامه یافته است. شاید به همین دلیل هرگز نقاشی‌های وی در سطح اثرگذار نیستند. او و آثارش از هرگونه سطحی‌نگری مبرا هستند. شاهد دغدغه‌های او در تمامی این سال‌ها هستیم. تفکراتی که او را از چیستی نقاشی دور نکرده و همواره به هستی‌شناسی اطراف خویش پای‌بند بوده است. برای گذران وقت و خرسندی نقاشی نکرده، بلکه متعلق به دورانی است که نقاشی را برای نقاشی دنبال کرده است. رنگ‌هایش نشانگر درونیات وی است و متعلق به هیچ‌کدام از آلیسم‌هایی نیست که متداول است. او و نقاشی‌هایش متعلق به خودش و دوران خودش و ذهنیات خودش است. فرم‌های وی درون کارش متولد می‌شوند و رنگ‌های وی درون این فرم‌ها معنا می‌گیرد. به جرأت می‌توان گفت از میان آثار وی اثری را مجزا نمی‌توان کرد؛ چون در آثار بدون رنگ او هم، شور زندگی و رنگ در جریان است؛ هرکدام راه مشخصی را می‌پیماید و ما را دعوت به جست‌وجو می‌کند. بی‌اعتنا به هرآنچه در اطراف می‌گذرد به مسیر خود فکر می‌کند. زمان و مکان و چگونگی به مقصد رسیدن را یادآور است. برای تعامل و گفت‌وگو با این آثار هنری زحمت زیادی نباید کشید؛ چون تمامی اینها

در بررسی چشم‌اندازهای هنری، معیار سنجش دارای تفاوت‌های زیادی است؛ چون بر دیدگاه‌های خاص‌تر و کلی در گرایش‌های هنری و زیبایی‌شناسی تکیه دارد. در مجموع، معیارهای گذشته یک‌پرونده و زاویه نگاه او به‌طور کلی وابسته به دیدگاه‌ها و گرایش‌های اوست. وی با تکیه بر این معیارها در مقابله با موج جدید اطلاعات و رویکردهای آن، به استدلال می‌پردازد. یک‌پرونده‌گر هنری نمی‌تواند در جریان تقدیر بررسی آثار، افکار خود را از معیارهای گذشته‌اش جدا کند. به همین دلیل ممکن نیست یک‌منتقد در مقابل آثار هنری کاملاً بی‌طرف باشد و در بی‌طرفی کامل به نقد و جست‌وجو بپردازد. مسأله قابل توجه بازگرداندن و ارجاع خواننده به اطلاعات واقعی و قابل اعتماد است که مخاطب را وادار به نتیجه‌گیری می‌کند. نتیجه این نگرش‌ها به آثار هنری هر چه باشد بدون تردید بخش‌هایی از این گفت‌مان‌های هنری استحقاق ماندن و بخش‌هایی دیگر از آنها محتاج فراموشی هستند.

در حال حاضر و امروز حسرت زمانی با ماست که نقاشی جان و توان دیگری داشت. جامعه‌ای که در آن نقاشی رابطه‌ای دوسویه داشت. تمامی تأثیرات جامعه را می‌توانستیم به‌طور مستقیم بر پرده‌های خاموش، که به‌دست هنرمندان از سکوت سنگین درمی‌آمدند، نظاره‌گر باشیم. دلیل پرشدن سفیدی پرده‌ها گاه آسویی، نیازی بود که نقاشی و جامعه به یکدیگر داشتند و، از سوی دیگر، آنچه روی پرده‌های سفید بیان می‌شد ناشی از تجربه‌ای عمیق و اندیشمند بود که جانشی آن ایمان و باورهای هنرمند را شکل می‌دادند. در هر حال، تحولات مدرنیته و مدرن‌بودن سمت‌وسوی تازه‌ای به تمامی این پروسه‌ها داد و جای خود را به المان‌های اختیاری و قراردادی داد. به همین دلیل نقاشی کم‌کم سردرگریان خود فروبرده و به‌طور خودشیفته‌ای در سر سودای پیداکردن حریمی کاملاً مستقل راه پیموده است. تا جایی این گمگشتگی ادامه داشت که دیگر این ناتوان از یافتن ارتباط، خود تبدیل به یکی از پیچیدگی‌های دنیای مدرن نقاشی شد. در این پهنه گسترده که هرکدام از هنرمندان به نوعی با این معضل دنیای مدرن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، با نگاهی به گذشته، همیشه سعی در یافتن راه برای آینده هستیم.

در میان نسلی که برای پیشبرد هنر مدرن و ناشناخته زحمت فراوانی را متحمل شدند، علی نصیر و آثار هنری‌اش قابل تأمل